

استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدشریف شریفزاده

با اهدای سلام و تحیت؛

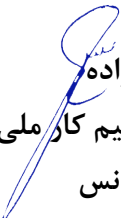
با توجه به اینکه مقاله جنابعالی تحت عنوان " معرفی سازوکارهای بومزاد برای بازآفرینی نظام آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور " در دهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بصورت شفاهی ارائه خواهد شد، لذا نکات ذیل به استحضار می رسد:

- دهمین کنفرانس در فضای مجازی و بصورت برخط برگزار خواهد شد.
- زمان کل تخصیص داده شده به هر مقاله ۲۵ دقیقه است که ۱۵ دقیقه برای ارائه و ۱۰ دقیقه برای پرسش و پاسخ در نظر گرفته شده است.
- مقاله جنابعالی در نشست تخصصی سالن شماره ۲: تبیین و بایسته‌های اجرای سند الگو در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی، ساعت ۱۹:۳۰ - ۱۷:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ ارائه خواهد شد.
- با توجه به تاکیدات هیأت داوران خواهشمند است مقاله را شخصاً ارائه فرمائید و آن را به دیگر همکاران مقاله واگذار نفرمائید. هیأت رئیسه نشست از ارائه مقاله بجز توسط فردی که نامش در برنامه کنفرانس درج شده است، جلوگیری خواهد نمود.
- چنانچه از پاورپوینت استفاده می کنید لطفاً فایل (قابل ویرایش و PDF) آن را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۵ از طریق ایمیل کنفرانس به دبیرخانه ارسال فرمائید.

برنامه کنفرانس شامل اسامی سخنرانان و عناوین مقالات پذیرفته شده به پیوست تقدیم می گردد.

زمان برگزاری کنفرانس: ۲۹ الی ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

وبگاه کنفرانس: <http://conference.olgou.ir>



هادی اکبرزاده
معاون علمی و تقسیم کار ملی
و دبیر کنفرانس

شماره تلفن هماهنگی: ۰۲۱۸۸۳۵۲۰۸۰ / ۰۲۱۸۸۳۵۲۰۷۱ / آقایان ایمانی و بهنیا

بزرگراه شهید چمران، پل نصر، خیابان جلال آل احمد، شماره ۳- صندوق پستی: ۱۴۳۹۵-۶۷۸

تلفن: ۸۸۶۳۴۰۰۷ / فکس: ۸۸۰۱۴۶۴۴

رایانامه: olgou@olgou.ir / آدرس: www.olgou.ir

تعالی دانشگاه در مسیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: سازوکارهای بومی برآمده از ابتکارات تجربه‌شده یک دانشگاه تخصصی

*محمد شریف شریف‌زاده^۱، علی نجفی‌نژاد^۲ و غلامحسین عبدالله‌زاده^۱

^۱دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران،

^۲دانشیار گروه آبخیزداری / ریاست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

چکیده:

تعالی نهاد دانشگاه مستلزم نهادینه‌سازی ارزش‌های اصیل اسلامی ایرانی از یک‌سو و ظرفیت‌سازی برای ارزش‌آفرینی جامعه‌محور از طریق ماموریت‌های هم‌افزا و پیوسته آموزشی، پژوهشی و فناوری، کارآفرینی و ترویجی از سوی دیگر است. در این مقاله، تجربه بومی و درون‌زاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان برای تعالی در مسیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر مبنای ارزش‌های مد نظر در این الگو معرفی خواهد شد. از این جمله می‌توان به همگرایی تحصیل و اشتغال دانشجویان در بستر همکاری دو نهاد اجتماعی (خانواده و دانشگاه) در قالب سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان اشاره نمود. تجربه دیگر مربوط به بنه‌های کسب‌وکار دانشجویی به عنوان سازوکاری برای بازآفرینی ارزش‌های بومی و تجربه سنتی تعاون‌گری در فرآیند کسب‌وکارآفرینی نوین دانشگاهی است. سرانجام، سازوکار پذیرش بر اساس پیشینه کاری با امکان ادامه کسب و کار مرتبط با رشته‌های آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی توأم با اعطای سهمیه برای برخی گروه‌ها مطرح خواهد شد. این سازوکارها نهادهای مهم اجتماعی همانند خانواده را به دانشگاهی پیوند می‌زنند و از اینرو موجب نوعی پیوستگی اجتماعی می‌شوند. علاوه بر این، از مجرای تمرین تعاونی در عرصه کسب‌وکار و کارآفرینی، فرصتی برای تبادل آموزه‌ها، ارتقای اشتغال‌پذیری و تشریک مساعی برای تحقق خیر مشترک را موجب می‌شود. هر چند تصمیم‌گیری درباره سودمندی این ابتکارات نیازمند گذر زمان و بازاندیشی و ارزشیابی فرآیند و پیامد است، اما فلسفه شکل‌گیری این ابتکارات بر مبنای طراحی و پیاده‌سازی سازوکارهای بومی مبتنی بر درک پیشینه تاریخی و اجتماعی و نیز ظرفیت‌های وضعی دانشگاه در خور توجه است. بنابراین به منظور ارتقای نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در مسیر تعالی بر پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشنهاد می‌شود به جای یا در کنار طرح مفاهیم و رویدادهای عمدتاً وارداتی، به بازشناخت، ارتقای مقیاس ابتکارات بومی توجه شود. این مهم نیازمند بازنگری در الگوی حکمرانی دانشگاهی در کشور و عدول از رویه دستوری باز بالا به پایین در این حوزه (در قالب ابلاغ شیوه‌نامه، دستورالعمل، آیین‌نامه از حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌ها) و در عوض، تشویق دانشگاه‌ها به طرح‌ریزی سازوکارهای مقتضی متناسب با حوزه فعالیت و نیز ظرفیت‌های پیشرفت محلی و منطقه‌ای خویش و تسهیم آموزه‌ها با سایر دانشگاه‌ها است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه متعالی، دانشگاه ارزش‌آفرین، دانشگاه کارآفرین، ابتکارات دانشگاهی

دانشگاه متعالی (University of Excellence) نشان‌دهنده ظرفیت دانشگاه برای ارزش‌آفرینی در نتیجه نوعی تحول نسلی در پیوند با جامعه است. دانشگاه متعالی به عنوان بازتاب جامعه‌گرایی همراه با کارآفرینی‌گرایی در آموزش عالی کشاورزی می‌تواند به معرفی ظرفیت‌های دانشگاه به بیرون به عنوان مبنایی برای شکل‌گیری تقاضا برای خدمات دانشگاهی منجر شود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). مسئولیت اجتماعی دانشگاه انتظاری نهادین از دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی برای پرداختن به نیازهای حال و آتی ذینفعان درونی و بیرونی، رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی، برابری بخت‌های زندگی، رفع آسیب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، صلح و همزیستی و پایداری توسعه است. بر این اساس، دانشگاه کارکردهای آموزشی، پژوهشی، خدمات تخصصی و سایر کارویژه‌های خود را به پاسخگویی اجتماعی به انتظارات اجتماعی یادشده معطوف می‌دارد (برادران حقیر و همکاران، ۱۳۹۸).

یکی از خصایص دانشگاه متعالی جامعه‌محوری (پیوند دانشگاه و جامعه) مبتنی بر رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. بواقع تعالی دانشگاه در گروه سهیم شدن با مردم و نهادهای اجتماعی برای خلق و تسهیم ارزش مشترک و خیر جمعی است. دانشگاه متعالی از چندین لایه، نظیر پیش‌رانه‌ها (درون و برون حوزه‌ای) و آمادگی‌ها (ساختاری، محتوایی و زمینه‌ای)، پذیرش و نهادینه‌سازی ارزش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی (ابعاد قانونی، اخلاقی، اجتماعی، زیست محیطی و انسان‌دوستانه)، طراحی و عملیاتی نمودن سازوکارهای پیوند دانشگاه و جامعه (پیوند آموزشی، پیوند ترویجی، پیوند پژوهشی و فناوری، پیوند کارآفرینی و سازوکارهای توسعه‌ای)، تحقق دستاوردها برای دانشگاه با ابعاد توسعه سازمانی و پایداری نهادی- توانمندسازی فردی و حرفه‌ای و سرانجام، بروز پیامدها برای جامعه با ابعاد پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری زیست محیطی است (رجب‌بیان غریب و همکاران، ۱۳۹۹). بدین تعبیر و با در نظر گرفتن موضوع بحث، دانشگاه متعالی را می‌توان دانشگاهی تعریف نمود که بر پایه ارزش‌های اسلامی ایرانی در مسیر پیشرفت کشور گام برمی‌دارد. دانشگاه متعالی، به عنوان یک دانشگاه ارزش‌آفرین برای خلق ارزش نیازمند یکپارچگی با بافتار اجتماعی پیرامونی و شبکه‌سازی برای خلق اجتماعی ارزش است. این مهم از طریق برایش، استقرار و تکامل زیست‌بوم ارزش‌آفرینی اجتماعی مبتنی بر دانشگاه ممکن می‌شود. در این زیست‌بوم، از دانش به عنوان یک منبع ارزشمند برای پیشبرد نوآوری بهره‌برداری می‌شود و کارآفرینی نیز از فرصت‌های نوآوری مبتنی بر دانش تغذیه می‌کند. چنین زیست‌بومی از ارزش‌افزوده، پویایی و شکوفایی بی‌نظیری نسبت به سایر زیست‌بوم‌ها برخوردار است که حاصل هم‌افزایی سه جریان دانش، نوآوری و کارآفرینی است (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۹).

تحول و تکامل دانشگاه‌ها به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره در جریان بوده و هست. وزارت علوم، برای راهبری روند تحول و تعالی دانشگاه‌ها فرازهای محوری پنج‌گانه‌ای را در قالب بیانیه دانشگاه جامعه‌محور و کارآفرین (ابلاغی به شماره ۵۱۴۹۰/و مورخ ۱۳۹۹/۳/۳۱) شامل: (الف) توسعه دوره‌های مهارت‌افزایی و ارتقای سطح اشتغال‌پذیری دانشجویان؛ (ب) شناسایی نیازهای جامعه و پاسخگویی مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری به آنها؛ (ج) واگذاری اختیارات بیشتر به هیئت‌های امنای مؤسسات و تقویت استقلال آنها؛ (د) نهادینه کردن فرآیند نوآوری در مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری جهت ایفای نقشی مؤثرتر در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و (ه) هدایت رساله‌های تحصیلات تکمیلی به سوی حل چالش‌های کشور؛ برشمرده است. در همین راستا، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان تدابیر و اقدامات محوری زیر را طرح‌ریزی و اجرایی نموده است (شریف‌زاده و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۵، شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷):

- تنظیم سند دانشگاه کارآفرین و برنامه اقدام و عمل و پایش سالانه آن در یک بازه زمانی ۱۰ ساله

- تنظیم برنامه اقدام دوره های مهارتی در همکاری دانشگاه و مرکز فنی و حرفه‌ای با راه‌اندازی TMC
- انتصاب مشاوران کارآفرین دانشکده ها برای راهبری طرح‌های کسب‌وکار دانشجویی
- تشکیل کمیته کارآفرینی دانشگاه
- راه اندازی بوستان کسب و کار دانشجویی
- تعریف درس کارآفرینی و تلفیق آن در برنامه درسی دانشجویان همه دانشگاه در مقطع کارشناسی
- اقدام جهت ساخت مجتمع نوآفرینی (۸۰ درصد آماده بهره برداری)
- تاسیس مزرعه نوآفرینی دانشجویی
- تاسیس صندوق خیریه کارآفرینی برای تامین seed capital ۴۷ طرح کسب‌وکار دانشجویی (تا کنون)
- تعریف و استقرار سازوکار راهبری نوآوری مشترک با رویکرد اجتماعی با کمیته امداد امام خمینی (ره)
- اختصاص منابع مالی جهت حمایت از طرح های کارآفرینی دانشجویی
- سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی برای فعالیت‌های کسب‌وکار در پایلوت‌پلنت‌های تخصصی (صنایع غذایی، چوب، آب و خاک...)
- (دو مورد استقرار و سه مورد در حال رایزنی و انتخاب)
- تعریف و تصویب گرت نوآفرینی برای ارزش‌افزایی از تحقیقات دانشجویی در مقطع تحصیلات تکمیلی
- برگزاری به طور متوسط ۱۴۱ کارگاه و جشنواره ۲۹ به طور سالانه
- عقد ۴۲ تفاهم‌نامه با سازمان‌ها و ادارات و مراکز پژوهشی با پیوست یا رویکرد کارآفرینی و اولویت‌بخشی به همکاری با بخش خصوصی و غیردولتی
- Spin-in کردن کسب‌وکارهای دانشگاهیان (از جمله: (۱) اولین واحد تحقیق و توسعه دانش‌بنیان در زمینه نانو فناوری در صنایع غذایی با استقرار در آزمایشگاه مرکز رشد دانشگاه (۲) شرکت هیرکاپونیک)
- تصویب و تعریف ساختار کانون نوآفرینان دانشگاه (به عنوان شبکه اجتماعی کارآفرینان دانش‌آموخته، دانشجو، عضو هیات علمی و ...)
- تعریف و عملیاتی نمودن سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده پشتیبان و دانشجوپشتیبان (کارآفرینی با رویکرد خانواده‌محور و اجتماعی)
- تدوین شیوه‌نامه فعالیت‌های ترویجی اعضای هیات علمی و تعریف فرآیند گردش کار اتوماسیونی برای هدایت و تسهیل ارتباط موثر با جامعه و ترویج علم در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
- تشکیل کارگروه دانشگاه پژوهشی برای تدوین برنامه آینده‌نگاری تعالی دانشگاه با رویکرد دانشگاه کارآفرین و جامعه‌محور
- همکاری با جهاد دانشگاهی واحد گلستان برای استقرار شتاب‌دهنده منش
- استقرار شتاب‌دهنده دانشجویی دانش‌بازار هیرکان
- تعریف استانداردهای مهارت شغلی با همکاری فنی حرفه‌ای و راه‌اندازی کارگاه‌های مهارت‌آموزی (اولین مورد در زمینه شیلات با موضوع تربیت تورباف و ادوات صید نهایی شده است)
- مشارکت در طرح تکاپو برای توسعه آمایش‌محور استان (در حوزه مهارت‌آموزی در زمینه کشت‌وکار پنبه)
- همکاری با نهادهای صنفی در قالب تفاهم نامه برای ارایه خدمات دانشی و فناوری با رویکرد جامعه محور به بهره‌برداران بخش کشاورزی و منابع طبیعی (نظام صنفی کشاورزی شهرستان گرگان و نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی گلستان)
- راه‌اندازی مدارس مهارت برای مشارکت در توسعه مهارتی جامعه (مدرسه مهارت برگزار شده و مدرسه شهروندی با موضوع کشاورزی شهری در حال برنامه‌ریزی است).
- بنابر سیر تکاملی و پیشینه نهادی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با گذر برنامه‌مند (مبتنی بر اسناد برنامه‌های راهبردی و دانشگاه کارآفرین) اکنون در مسیر تعالی به عنوان قالب تپنده و هسته اصلی زیست‌بوم فناوری و کارآفرینی منطقه‌ای با مأموریت کلیدی مبتنی بر هم‌بست آب، غذا، انرژی و محیط زیست در راستای توسعه پایدار منطقه‌ای قرار دارد (شکل ۱).



شکل ۱- سیر تعالی دانشگاه مورد مطالعه در نتیجه‌ی گذاری ارگانیک

دانشگاه مورد مطالعه در مسیر تعالی برای ارزش‌آفرینی اجتماعی کارکردهای اصلی زیر را برای خود تعریف کرده است (عبدالله‌زاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۹): (الف) پژوهش و فناوری: تکمیل زنجیره ارزش پژوهش و فناوری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی با پیونددهی دست‌اندرکاران مختلف نظام نوآوری در یک مجمع یا پلاتفرم منسجم، (ب) آموزش: همگرایی ایده‌پردازی کارآفرینانه، یادگیری تجربی مبتنی بر توسعه کسب‌وکار و پژوهش مولد هدایت‌شده، (ج) ترویج و خدمات جامعه‌محور: انتقال دانش و فناوری به جامعه و فراهم‌سازی زمینه تبادل دانش رسمی (علمی) و بومی (دانش شهروندی) در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی به رویکرد ارتقای سواد محیط زیستی، رفتار مصرف انرژی، حفاظت منابع و... مبتنی بر اقتصاد سبز (green economy)؛ (د) توسعه کسب‌وکارها و شکوفایی نوآوری‌ها در قالب تولید و عرضه خدمات و محصولات نو: تحقق زنجیره نوآوری از ایده‌پردازی تا شکوفایی در بازار با ارائه خدمات حمایتی و شتاب‌دهنده، فضاهای کار اشتراکی و هم‌آیی فعالان زیست‌بوم کسب‌وکار در یک پلاتفرم مشترک. در راستای تحقق این کارکردها، اهداف و دستاوردهای مورد انتظار از دانشگاه مورد مطالعه برای تحقق الگوی دانشگاه تعالی مد نظر است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷):

۱. فراهم‌سازی زمینه شکل‌گیری و شکوفایی نوآوری‌های فنی و فناورانه با رویکرد هم‌بست آب، غذا، انرژی و محیط زیست
۲. فراهم‌سازی بستری برای شبکه‌سازی ذینفعان و دست‌اندرکاران زیست‌بوم نوآوری با رویکرد جمع‌سپاری و سرمایه‌گذاری مشترک
۳. فراهم‌سازی فضای کار و زیرساخت‌های مشترک برای نوآوری، فناوری و کارآفرینی
۴. توسعه جاذبه گردشگری پایدارگرا در یک کرویدور گردشگری کشوری (با توجه به موقعیت جغرافیایی)
۵. بسترسازی برای ترویج اجتماعی نوآوری‌های پایدارگرا در بین آحاد جامعه
۶. الگوسازی کسب‌وکارهای نوآفرین موفق در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و حوزه‌های مرتبط
۷. توسعه زیست‌بوم نوآوری منطقه‌ای با رویکرد توسعه و پیشرفت پایدار

ظرفیت‌های موجود برای تعالی دانشگاه در مسیر ارزش‌افزایی اجتماعی از طریق کارآفرینی و نوآوری را می‌توان در دو سطح درون دانشگاه (شبکه پشتیبان) و برون‌دانشگاه (شبکه زیست‌بوم فناوری و نوآوری دانشگاه‌محور) خلاصه نمود (شکل‌های ۲ و ۳).



شکل ۲- شبکه پشتیبان درون دانشگاهی برای تعالی دانشگاه در مسیر نوآوری و کارآفرینی ارزش افزا و جامعه‌محور



شکل ۳- شبکه پشتیبان برون دانشگاهی برای تعالی دانشگاه در مسیر نوآوری و کارآفرینی ارزش افزا و جامعه‌محور

در برهه کنونی، برای تداوم تکامل دانشگاه در مسیر تعالی به بازاندیشی سازوکارهای تجربه‌شده مورد نیاز است. این مقاله در همین راستا و با هدف معرفی سه ابتکار دانشگاه در حوزه کارآفرینی منجر به ارزش‌افزایی مبتنی بر ابتکارات بومی با در نظر گرفتن ارزش‌های مطرح در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظیر: تعاون و همکاری، کارآفرینی و ارزش‌افزایی، تشریک مساعی، خانواده‌گرایی و نوآوری مشترک اجتماع‌مدار پرداخته شده است.

روش پژوهش

این تحقیق از منظر گردآوری داده‌ها از نوع میدانی، از منظر کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی و از لحاظ هدف، کاربردی به شمار می‌رود. شناخت و مدیریت سازوارشونده تحول نظام‌های دانشگاهی و گذار نسلی آن‌ها؛ به دلیل تعدد کنشگران و دست‌اندرکاران و نیز ابعاد چندگانه و هم‌وابسته؛ نیازمند رویکرد و روش‌شناسی مقتضی است. این تحقیق دانشگاه‌پژوهانه (Institutional research) به لحاظ هدف کاربردی بوده و در پی تحلیل سازوکارهای تجربه‌شده دانشگاهی در مسیر تعالی بر پایه موردکاوی تجربی است. همانطور که پیشتر مطرح شد، مورد مطالعه در این تحقیق، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بود که تلاش نهادمندی را برای گذار به دانشگاه کارآفرین را تجربه و اکنون، دانشگاه متعالی را آغاز نموده است. برای انجام دادن این تحقیق از رویکرد پژوهش کیفی و روش اقدام‌پژوهی استفاده شد. فلسفه اصلی اقدام‌پژوهی، پژوهش "به وسیله" و نه لزوماً "با" یا "درباره" مردم است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). اقدام‌پژوهی نوعی خودبازاندیشی عملگرایانه جمعی است که به‌وسیله کنشگران و دست‌اندرکاران دخیل و سهیم در یک موقعیت اجتماعی به انجام می‌رسد تا موقعیت مسأله‌مندی که به‌طور مستقیم با کار و زندگی آنها در ارتباط است، آسیب‌شناسی و در جهت بهبود، تغییر یابد. اقدام‌پژوهی، کنشی ارتباطی است که در میان مشارکت‌کنندگان یک فضای عمومی ایجاد می‌نماید تا به یک توافق بینا ذهنی، فهم متقابل از یک موقعیت، اجماع‌نظر منطقی، تعهد داوطلبانه برای اقدام هم‌افزایانه برای تغییر دست یابند (ماهر و ربانی، ۱۳۹۶). اقدام‌پژوهی طی چند مرحله اساسی شکل می‌گیرد (شریف‌زاده، و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۴): (الف) تشخیص (آسیب‌شناسی یا مسئله‌شناسی)، (ب) تغییر (راه‌حل‌یابی و اجرا)؛ (ج) بازاندیشی رهایی‌بخش برای بهبود مستمر و پایدار. این اقدام پژوهشی از نوع نهادی بوده و به یک موقعیت مسئله‌مند در یک موسسه یعنی گذار به دانشگاه متعالی با محوریت موضوعی کارآفرینی جامعه‌محور و ارزش‌آفرین می‌پردازد. اطلاعات مورد نیاز از طریق تحلیل اسنادی (با محوریت سند برنامه راهبردی و سند دانشگاه کارآفرین و گزارش‌های سالانه پیشرفت آن‌ها) و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با نمونه‌ای برگزیده از مدیران، اعضای هیأت علمی، کارشناسان، دانشجویان و دانش‌آموختگان منتخب به دست آمد.

یافته‌ها

ساختار یافته‌ها بر مبنای سه روایت از سازوکارهای تجربه‌شده دانشگاه مورد مطالعه در مسیر تعالی با تمرکز بر کارآفرینی جامعه‌محور ارزش‌آفرین، استوار است.

الف: همگرایی تحصیل و اشتغال دانشجویان در بستر همکاری دو نهاد اجتماعی (خانواده و دانشگاه) در قالب

سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان^۱ Family-supported student enterprises

^۱ این ایده توسط مولف نخست به دومین رویداد الگوها و راهکارهای نوین در همکاری دانشگاه‌ها با جامعه و صنعت در سال ۱۳۹۹ ارائه شد.

- **ضرورت:** یکی از چالش‌های اساسی امروزه دانشگاه‌ها، تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین است. از دیگر سو، همواره دغدغه ارتباط موثر دانشگاه‌ها به عنوان یک نهاد اجتماعی با سایر نهادهای اجتماعی، بویژه خانواده‌ها وجود داشته است. در ارتباط با چالش نخست، بیشتر دانشگاه‌ها کوشیده‌اند برنامه‌هایی را برای طراحی و اجرای دوره‌ها و برنامه‌های آموزش و تمرین کارآفرین و کسب‌وکار برای دانشجویان فراهم آورند. اما بنابر تجربه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، برقراری تعاملات حمایتی گروه‌ها و تیم‌های کسب‌وکار دانشجویی با نهادهای اجتماعی می‌تواند موجب شکوفایی آنها و ورود موفق به جامعه شود. بر این اساس، سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان زمینه‌ساز رویارویی موفق با دو چالش **پرورش دانشجویان کارآفرین و ارتباط با جامعه** خواهد بود. بدین طریق، گروه‌های کسب‌وکار زمینه‌ای برای بهره‌گیری دانشجویان و دانشگاه از حمایت‌های معنوی و اجتماعی، دانش فنی و اقتصادی (بویژه تامین مالی خرد اولیه به شیوه جمع‌سپاری خانوادگی **micro seed capital based on family crowd sourcing**) و تداوم میراث کسب‌وکار خانوادگی و تسهیم آن با دانشگاه خواهند شد و خانواده‌ها نیز ضمن اطمینان‌یابی از رهسپاری امیدبخش فرزندان خویش، از حمایت معنوی، اعتبار علمی و نیز زیرساخت‌های دانشی دانشگاه بهره‌مند خواهند شد. برآیند این فرآیند، **جامعه‌پذیری کسب‌وکارهای دانشجویی (socialization of student enterprises)**، ورود تسهیل‌شده دانشجویان کسب‌وکارآفرین به محیط کسب‌وکار و بازار خواهد بود. این کسب‌وکارها می‌توانند با حمایت یک خانواده یا چندخانواده شکل گیرند و گسست مرسوم در تجربه کسب‌وکار دانشجویان در نتیجه اتمام دوره تحصیل را مرتفع سازند. همچنین، این کسب‌وکارها زمینه‌ساز کارورزی و کارآموزی کارآفرینانه دانشجویان در یک محیط کسب‌وکار نظارت شده بوده و عاملی برای جذب متقاضیان جدید به دانشگاه (و در نتیجه، کمک به حل مشکل پذیرش دانشجو) و انگیزه‌بخشی به دانشجویان برای ادامه تحصیل دانشجویان در مقاطع تحصیلی بالاتر در همان دانشگاه باشند. در بلند مدت، این سازوکار موجب سرمایه‌گذاری دانشی خانواده‌ها از یک سو و **افزایش تاثیر اجتماعی دانشگاه‌ها (social impact factor)** از دیگر سو و ارتقای برند دانشگاه خواهد شد که می‌تواند زمینه‌ساز پایداری نهادی اجتماعی و ارتقای تاب‌آوری دانشگاه باشد.

مراحل اجرا

۱. تدوین شیوه‌نامه اجرایی و فرم‌های مربوط به کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان
۲. فراخوان مرکز کارآفرینی دانشگاه برای تشکیل گروه‌ها/ هسته‌ها/ تیم‌های کسب‌وکار دانشجویی خانواده‌پشتیبان
۳. بررسی و تصویب طرح‌های کسب‌وکار دانشجویی خانواده‌پشتیبان در کمیته کارآفرینی یا شورای نوآوری دانشگاه
۴. زمینه‌یابی و استقرار طرح‌های مصوب کسب‌وکار دانشجویی خانواده‌پشتیبان با ارایه خدمات مقرر دانشگاه - خانواده‌ها
۵. نظارت بر فعالیت طرح‌های کسب‌وکار دانشجویی خانواده‌پشتیبان از طریق مشاوران/ راهنماهای کسب‌وکار تخصصی
۶. ارایه گزارش پیشرفت کار و پایان کار و تصمیم‌گیری برای ادامه کار یا **spin out** کردن کسب‌وکارهای دانشجویی
۷. معرفی کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان به مرکز رشد، پارک علم و فناوری و نهادهای حمایتی

برون‌دانشگاهی

۸. تشکیل شبکه کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان دانشگاه

- **پیشینه:** برخی دانشگاه‌ها، همانند مرکز کارآفرینی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان نسبت به تعریف فرآیندها و تامین زیرساخت‌های اولیه برای فعالیت گروه‌های کسب‌وکار دانشجویی اقدام نموده است. این هسته‌ها را می‌توان بر مبنای ایده‌ای که در اینجا مطرح شده است، تعالی بخشید. در خارج از کشور نیز، برخی دانشگاه‌ها همانند دانشگاه علوم کاربردی ویتنبرگ (Wittenborg) طرح‌هایی برای حمایت خانوادگی از تحصیل دانشجویان در قالب طرح (Family Support Scholarship) فراهم نموده است که بازتاب رویکرد خانواده‌محور به امر تحصیل دانشجویان است. دانشگاه اورگان نیز در قالب طرح Oregon State University's Austin Family Business Program ابتکاری را برای حمایت از

کسب‌وکارهای خانوادگی تجربه نموده است. همچنین، Northumbria University در بریتانیا تلاش نموده از کسب‌وکارهای نوپای دانشجویی با تاکید بر جلب حمایت اجتماعی و خانوادگی از این کسب‌وکارها پشتیبانی کند.

دستاورد های مورد انتظار: از بین مشکلات موجود نظام دانشگاهی، می‌توان به **ضعف قابلیت‌های کارآفرینانه** و در نتیجه، **بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی** و نیز، **درون‌گرایی و ضعف ارتباطات اجتماعی دانشگاه‌ها** با نهادهای اجتماعی اشاره نمود. در ارتباط با مسئله نخست، بیشتر دانشگاه‌ها کوشیده‌اند برنامه‌هایی را برای طراحی و اجرای دوره‌ها و برنامه‌های آموزش و تمرین کارآفرین و کسب‌وکار برای دانشجویان فراهم آورند. اما بنابر تجربه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، برقراری تعاملات حمایتی گروه‌ها و تیم‌های کسب‌وکار دانشجویی با نهادهای اجتماعی می‌تواند موجب شکوفایی آنها و ورود موفق به جامعه شود. بر این اساس، سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان زمینه‌ساز رویارویی موفق با دو چالش **پرورش دانشجویان کارآفرین و ارتباط با جامعه** خواهد بود. پیگیری و حل مسایل مزبور که تبلور مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه است، می‌تواند زمینه‌ساز **تقویت اقتصاد دانشجویی** و سهمیم شدن مستقیم دانشگاه در **ارتقای معیشت خانواده‌های دانشجویان و افزایش امید و انگیزه و پویایی و نشاط مولد و سازنده در جامعه دانشجویی** باشد.

عملیاتی‌شدن و بلوغ این سازوکار به لحاظ نهادی می‌تواند زمینه‌ساز جذب حمایت سایر سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی اجتماعی از کسب‌وکارهای دانشگاهی و در نتیجه تحقق کسب‌وکارهای دانشجویی/ دانشگاهی اجتماع پشتیبان (community/ socially supported academic/ student enterprises) شود که ثمره آن تقویت زیست‌بوم کارآفرینی دانشگاهی جامعه‌محور خواهد بود. از دیگر مزایا و پیامدهای این سازوکار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) هدفمندشدن تحصیل دانشگاهی برای متقاضیان و در پیگیری از کاهش افت یا ترک تحصیل؛ (۲) افزایش احتمال اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان؛ (۳) تکمیل ظرفیت تحصیل موسسات آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی با جذب متقاضیان علاقه‌مند؛ (۴) افزایش نرخ کارآفرینی در دانشگاه‌ها؛ (۵) پیوند دادن بخش‌های تولید و نهادهای حمایتی و اجتماعی با فرآیندهای تحصیل؛ (۶) ترغیب دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشاورزی به ارتقای ظرفیت‌های یادگیری تجربی و عملی و کارآفرینانه.

- ملزومات و چالش‌های اجرایی: طول دوره کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان می‌تواند همزمان با طول دوره تحصیل دانشجویان باشد و در صورت ادامه تحصیل دانشجویان در مقاطع تحصیلی بالاتر یا تفویض امور کسب‌وکار به دانشجویان جدید، تمدید شود. هزینه‌های اولیه کسب‌وکار می‌تواند از طریق خانواده و نیز مساعدت‌های دانشگاه تامین شود. علاوه بر این، می‌توان از محل اعتبارات نهادهای حمایتی ذیربط، نظیر سازمان دانشجویان و نظایر آن بخشی از هزینه‌ها را تامین کرد.

زیرساخت‌های اساسی کسب‌وکار و فضا نیز از طریق دانشگاه به صورت مشترک در اختیار طرح‌های کسب‌وکار دانشجویی در چارچوب مقررات دانشگاه قرار خواهد گرفت. سازمان‌ها و تشکلهای خارج دانشگاه همانند صندوق کارآفرینی امید، بانک‌ها و موسسات مالی، پارک علم و فناوری (در مورد طرح‌های فناور)، کمیته امداد (در مورد مددجویان دانشجو)، بنیاد نخبگان و ... می‌توانند در تامین هزینه‌های این طرح‌ها مشارکت داشته باشند. تامین مالی اولیه طرح‌های کسب‌وکار دانشجویی خانواده‌پشتیبان، سرریز مسایل خانوادگی به فضای کسب‌وکار دانشجویی و بروز مسایل و مشکلات مرسوم کسب‌وکارهای خانوادگی در مورد این طرح‌ها و ذهنیت ناهمسوی برخی دانشگاهیان در خصوص فعالیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار دانشجویی، و همچنین موانع اداری مربوط به حمایت سازمان‌ها و موسسات ذیربط (نظیر اخذ مجوز، پروانه، پرداخت تسهیلات) و سرانجام، گسست در فرآیند کسب‌وکارهای دانشجویی با اتمام دوره تحصیل از جمله موانع احتمالی این سازوکار به شمار می‌رود.

ب: بنه‌های کسب‌وکار دانشجویی: سازوکاری برای بازآفرینی ارزش‌های بومی و تجربه سنتی تعاون‌گری در فرآیند کسب‌وکارآفرینی نوین دانشگاهی

بنه‌های کسب‌وکار دانشجویی در دانشگاه مورد مطالعه تیم‌های کسب‌وکاری هستند که توسط گروهی از دانشجویان بر پایه کارکرد تعاونی جمعی و تسهیم منابع دانش، نیروی کار و منابع تولید با در اختیارگرفتن زمین، سوله، کارگاه و گلخانه از دانشگاه

(در نقش مالک دارایی‌های غیرمنقول) با تقسیم کار مشترک فعالیت می‌نمایند. در حال حاضر چندین بانه دانشجویی، در زمینه تولیدات زراعی، گلخانه‌ای، مهندسی مکانیک ماشین‌آلات کشاورزی، تولید محصولات غذایی فعال هستند. در ادامه پیشینه بومی این سازوکار و نیز مبانی نظری فرآیند یادگیری جاری در بطن آن معرفی می‌شود:

– **پیشینه بومی: بانه (Boneh (Traditional Farming Cooperative)** از واژه «بن» فارسی به معنای اسباب و اثاثیه گرفته شده است و بر نوعی از کهن‌ترین و کارآمدترین تعاونی‌های سنتی کشاورزی رایج در مناطق مختلف ایران دلالت دارد. بانه سازمانی برای زراعت دست‌جمعی برپایه همیاری (یارگیری و خودیاری) در تامین منابع و عوامل تولید، بویژه آب (هم‌آبی) به عنوان حیاتی‌ترین عامل تولید کشاورزی و یاریگری (هم‌کشتی) در عملیات زراعی (کاشت، داشت و برداشت دست‌کم در یک فصل زراعی و در بیشتر موارد در چندین فصل زراعی بوده است. خسروی (۱۳۵۷) بانه را واحد کار زراعی سنتی در نظام ارباب – رعیتی سابق دانسته که مشتمل است بر یک یا چند جفت‌گاو یا قطعه زمین زراعی (آبی و دیمی) که در آن تعدادی کشاورز (رعیت دارای حق نسق و برزرگر یا کارگر کشاورزی) به کار تولید زراعی اشتغال داشتند. از این لحاظ، در بانه همکاری نزدیک و نوعی اشتراک مساعی متقابل در امر تولید بین زارعان دیده می‌شد. از جمله دیگر خصوصیات بانه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (طالب و عبری، ۱۳۸۴): رایج در مناطق کم‌آب و حاشیه کویر، رایج در نظام مالکیت ارباب رعیتی، اشتراکی بودن نیروی کار، تغییر اراضی تحت کشت یک بانه بر اساس پشتک یا قرعه، انتخاب اعضای بانه توسط سربنده‌ها، تقسیم وظایف در بانه مطابق عرف، تامین منابع مالی و هزینه‌های جاری خانوارها از سوی مالک از کانال سربنده از محل سهم رعایا، تعیین سالانه برنامه کشت از سوی مالک، برابر بودن مساحت اراضی بانه‌ها و میزان آب زراعی آنها و نیز تعداد اعضای بانه‌ها، امکان ترک بانه از سوی هر یک از اعضا و فروش حق خود با دیگران، و تقسیم محصول بطور مساوی بین اعضا پس از کسر هزینه‌ها طبق عرضه محل و تحویل سهم مالک. در بررسی ریشه‌های شکل‌گیری بانه‌ها آشکارا می‌توان به این واقعیت پی برد که این سازمان‌ها که برپایه نهادهایی همانند نسق شکل گرفته بودند، نه همانند تعاونی‌های رسمی به صورت وارداتی یا تحمیلی به جامعه تزریق شده‌اند، بلکه به صورتی القایی و اقتضایی و بر پایه درک ضرورت‌های موجود برای از بطن خود جامعه رشد و نمو یافته‌اند. پژوهشگران مختلف کوشیده‌اند دلایل متعددی را برای پیدایش و گسترش بانه‌ها برشمارند. پطروشفسکی (۱۳۵۵) دلایل پیدایش این گروه‌ها را ناتوانی خانواده روستایی در خرید نیروی شخم و کارهای ضروری آبیاری می‌داند. از این بین، برخی بانه را حاصل تکامل بانه آب دانسته‌اند که جهت بهره‌برداری اقتصادی از منابع کمیاب آب از طریق همکاری در استخراج و توزیع منظم آب در بین قطعات اراضی شکل گرفته بود (ساعدلو، ۱۳۵۷). در بانه‌ها سازمان کار جمعی و غیررسمی، از یک‌سو هزینه تولید را کاهش می‌داد و از سوی دیگر با ترکیب و تلفیق تجارب و مهارت‌های افراد مختلف به افزایش میزان بهره‌وری منجر می‌شد. این عوامل همراه با تنگناهای محیطی (کمبود آب و لزوم تنظیم و رعایت جدول زمانی گردش آب بین زارعان، پراکندگی اراضی و تفاوت اراضی از نظر پستی و بلندی و یا حاصلخیزی خاک، توجه و تاکید ارباب بر حفظ یکپارچگی اراضی و الگوی کشت، ضعف فناوری، همجواری خانوارها و اراضی تحت عملکرد یا تصرف آنها، وجود شبکه روابط خویشاوندی و اعتماد متقابل بین آنها زمینه را برای گسترش این گونه تعاونی سنتی فراهم می‌آورد. به طور کلی، از آنجایی که بانه در عمل به حفظ یکپارچگی اراضی و کشت و رفع تبعیض بین رعایا از لحاظ نوع و حاصلخیزی زمین کمک می‌کرد و نزاع‌های ناشی از تعیین حد و مرز اراضی را پایا می‌داد و نهایتاً به نسبت کمیت و کیفیت عوامل تولید موجود، به بهره‌وری قابل قبولی منجر می‌شد، مورد توجه و تاکید ارباب قرار داشت (عبداللهی، ۱۳۷۷). هر چند هیچ یک از این عوامل یاد شده به تنهایی نمی‌تواند تبیین کننده علل پیدایش و گسترش بانه‌ها باشد، اما می‌توان نتیجه گرفت: (الف) عوامل پیدایش بانه با عوامل تداوم آن متفاوت است. عوامل پیدایش بانه به مسایل تاریخی و به‌ویژه ماقبل تاریخی زندگی بشر و از آن جمله ایرانیان باز می‌گردد و دلایل خاص خود را دارد؛ (ب) عوامل تداوم بانه گوناگون بوده و از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق کرده و هرکجا که عامل و یا عواملی از گروه عوامل تداوم بانه حذف شده، عامل و یا عوامل دیگری جایگزین آن شده است؛ و (ج) عوامل تداوم بخش نیز به درستی شناخته شده نیست و همه‌ی عوامل حتی در یک نوع و در یک منطقه به پژوهش‌های بیشتری نیازمند است. جز

عامل قوی اما خاموش «سنت» (شیوه‌های قومی و عادات اجتماعی کهن) و پتانسیل فرهنگی حاصل از آن و تغییرات ارزشی (همانند فردگرایی در تلاش برای کسب مالکیت و بهره‌برداری خصوصی از زمین) و عامل ضرورت اقتصادی (به شکل نیاز به کار فشرده، و یا به خاطر صرفه‌جویی در مصرف آب کشاورزی، و یا دشواری آبرسانی از منابع آبیاری تا کشتزار و یا دشواری آبیاری، و بالاخره کمبود نیروی شخم) و عامل مدیریت که ممکن است از کانال مالکیت (اعم از مالکیت فردی و دسته جمعی) و یا از کانال سنت و یا هر دو اعمال شود، باید به دنبال عوامل مجهول اجتماعی دیگر در تداوم بنه‌ها بود (فرهادی، ۱۳۶۸). ساختار بنه‌ها به عنوان گونه‌ای از تعاونی سنتی بر مبنای تقسیم کار توافق‌شده استوار بود. تعاونی‌های سنتی به عنوان تبلور خودیاری، همیاری و دگریاری تشدید یافته، به سه نوع قابل طبقه‌بندی هستند: (الف) تعاونی سنتی با محور اصلی خودیاری مانند بنه، (ب) تعاونی سنتی با محور اصلی همیاری، همانند واره یا شیرواره و (ج) تعاونی سنتی با محور اصلی دگریاری مانند سازمان‌های وقفی یا صندوق‌های خیریه (فرهادی، ۱۳۸۷). هر یک از بنه‌ها معمولاً ۶ تا ۱۲ نفر عضو داشت که ریاست آنها با (سربنه) یا سراویار (سر آبیاری) نیز می‌گویند. در هر بنه دو نفر معاون بنام کمک اویار (دم‌اویار) یا کمک آبیاری نیز وجود داشت که وربنه یا پابنه نامیده می‌شدند که با کمک زارعان (رعایای نسق‌دار) و برزگران (کارگران کشاورزی) با کار گروهی مشترک و تقسیم کار ضابطه‌مند، مسئولیت تولید را در کلیه مراحل کاشت، داشت و برداشت بر عهده داشتند (آسایش، ۱۳۸۴).

– کارکرد یادگیری و آموزشی (بنه‌های دانشجویی مجرای برای یادگیری تعاونی cooperative learning):

در گذشته، تدریس به شیوه سخنرانی به عنوان یک روش تدریس متداول بسیار مورد استفاده آموزشگران قرار می‌گرفت تا بدون توجه به نیازهای یادگیری دانشجویان، مطالب زیادی به دانشجویان تحویل داده شود. دانشجویان حداقل میزان تعامل و همکاری با هم‌کلاسی‌های خود و به تبع آن شانس کمتری برای توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی داشتند (Lin, 2013). در صورتی که تفکر انتقادی فرآیندی متشکل از قضاوت هدفمند و خودتنظیمی می‌باشد که مستلزم تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنتاج است (Facione, ۱۹۹۰). بنابراین، نیاز به رهیافت‌های یادگیری و آموزشی (آموزش در مقام تسهیل یادگیری) بدیل است. علاوه بر یادگیری رقابتی و یادگیری فردی، یادگیری تعاونی اخیراً در بسیاری از رشته‌های آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است (Azizan et al., 2018; Foldnes, 2016; Tadessea et al., 2020; Warfa, 2016; Yusuf et al., 2019). از طریق تعامل، فراگیران یاد می‌گیرند که مسائل را بازنمایشی کنند، ایده‌ها را به اشتراک بگذارند، تفاوت‌ها را روشن کنند و به برداشت‌های جدیدی دست یابند. آموزش و یادگیری با کیفیت، در اصلاحات آموزشی در جریان آموزش عالی، محور اصلی را به خود اختصاص داده است، زیرا ارتقا سطح یادگیری، مسئله اصلی مورد توجه دانشگاه‌ها قرن ۲۱ است (Schleicher, 2011). با این حال، فراهم‌سازی شرایط آموزشی برای یادگیری با کیفیت برای بسیاری از آموزشگران آموزش عالی چالش برانگیز است (Haggis, 2006)؛ زیرا آنها معمولاً به سخنرانی به عنوان اصلی‌ترین شکل آموزش خو گرفته‌اند.

۱- یادگیری مبتنی بر پروژه: فراگیران در معرض بازنمایشی مفاهیم و دانش اساسی آموخته در کلاس قرار می‌گیرند تا بنیادی محکم برای کمک به حل مسئله واقعی و حل نشده در قالب پروژه‌ای که ریشه در جامعه و صنعت دارد، پی‌ریزی کنند. این امر سرعت یادگیری فراگیران برای فراتر رفتن از تمرین‌های فرضی کلاس را افزایش می‌دهد و آنها را در معرض عدم اطمینان و تحمل ابهام مسائل دنیای واقعی قرار می‌دهد.

۲- رویکرد میان رشته‌ای در برنامه درسی و طراحی یادگیری: فراگیران از رشته‌های مختلف اطمینان حاصل می‌کنند که موضوعات از چند زاویه دیده می‌شود و در معرض اختلاف و تعارض قرار می‌گیرند و در نهایت توانایی تحمل همدیگر و مدیریت تعارض را می‌یابند.

۳- همکاری نزدیک بین اعضای هیئت علمی و دست‌اندرکاران برون دانشگاه: از این طریق اعضای هیئت علمی می‌آموزند که بین دنیای واقعی و نظری را همسو یا منطبق کنند و بیرونی‌ها نیز روش یادگیری خود را ژرفا می‌بخشند و جریانی از یادگیری مستمر تعاملی شکل می‌گیرد.

۴- مربیگری فعال توسط اعضای هیئت علمی و دست‌اندرکاران برون دانشگاه: بیرونی‌ها و اساتید به طور فعال دانشجویان را راهنمایی می‌کنند تا بتوانند از روابط ژرف‌تر بیشتر سو ببرند و از دیدگاه‌های مختلف به مسایل بپردازند (Seow et al., 2019).

در سال‌های اخیر راهبردهای خلاقانه بسیاری برای ارتقا یادگیری فعال مطرح شده است و عمده آنها، فراگیران را به کار مشترک با همسالان ترغیب می‌کنند. یادگیری تعاونی یکی از روش‌های یادگیری است که دارای مزایای اجتماعی و همچنین علمی است. گروه‌های یادگیری تعاونی زمینه را برای فراگیری مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کنند. رهبری، تصمیم‌گیری، اعتماد سازی و ارتباطات مهارت‌های مختلفی هستند که در یادگیری تعاونی فرصت بروز و توسعه می‌یابند (Andrew, 1994; Baghcheghi et al., 2011). یادگیری تعاونی به عنوان تقسیم کار برای حل یک مشکل تعریف شده است. برای هر کار مشخص، فراگیران آن کار را بین خود تقسیم می‌کنند، سپس گرد هم می‌آیند و یافته‌ها را ارائه می‌دهند. بنابراین، هر فراگیر سهم فردی معینی را عهده‌دار است (Johnson, 1992).

یادگیری تعاونی غالباً گروه‌های کوچکی از فراگیران را درگیر می‌کند که به یادگیری یکدیگر کمک می‌کنند. تعاملات دانشجویی منجر به فرصت‌هایی برای بهبود مهارت‌های ارتباطی و مهمتر از همه، به حل جمعی مشکلات می‌شود (Earl, 2009). یادگیری تعاونی فرآیند حل مسئله را به عنوان ابزاری موثر برای افزایش تفکر انتقادی و یادگیری خودمحور یا متکی به خود دانشجویان در بردارد (William et al., 2013). گاهاً عبارت یادگیری تعاونی به جای یادگیری گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند تفاوت چندانی بین این دو وجود ندارد، با این حال یادگیری تعاونی از دومی ساختاریافته تر به نظر می‌رسد. یادگیری تعاونی در پی تمرین استقلال، خوداتکایی و تکامل رفتاری است که در طی آن، خود دانشجویان مسئولیت اداره گروه و همچنین عملکرد و اثربخشی یادگیری خود را به عهده دارند (Bruffee, 1984).

یادگیری تعاونی آفرآیندی است که در آن گروه‌های ناهمگن دانشجویان با استفاده از رویکردهایی مانند بحث، مذاکره و گوش دادن فعال برای حل تعارضات و رسیدن به اتفاق نظر در مسائل، با هم کار می‌کنند (Johnson & Johnson, 2003). پدیده یادگیری تعاونی ریشه‌ی غنی در تحقیقات و اقدامات آموزشی دارد که به طور گسترده در حوزه‌های مختلف تحصیلی و همچنین رشته‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است (Johnson et al., 2000). در مقایسه با یادگیری فردی یا رقابتی، یادگیری تعاونی در ارتقا سطح تعاملات اجتماعی، استقلال فراگیر و همچنین موفقیت فراگیر در یادگیری بسیار موثرتر است (Hill et al., 2020; Shih, 2020). در مقایسه با یادگیری رقابتی یا فردی، یادگیری تعاونی مفیدتر ارزیابی شده است و نتایج یادگیری بهتری ایجاد می‌کند (Johnson et al, 1998) در مورد انواع ریشه‌های نظری یادگیری تعاونی از جمله وابستگی متقابل اجتماعی، شناختی- رشد و یادگیری رفتاری بحث کرد. طبق نظریه وابستگی اجتماعی، همکاری نتیجه وابستگی مثبت بین افراد است. از طریق کمک متقابل، مبادله ایده‌ها و منابع، فراگیران می‌توانند با تلاش جمعی به یک هدف مشترک برسند. از زاویه علوم شناختی، یادگیری تعاونی کانال‌هایی را که از طریق آنها اطلاعات و دانش منتقل می‌شود تقویت می‌کند و بنابراین رشد شناختی را تقویت می‌کند. نظریه یادگیری رفتاری از این استدلال پشتیبانی می‌کند که افراد در مقابل پاداش‌های خارجی مرتبط با کار، همکاری با یکدیگر را برای انجام یک کار انتخاب می‌کنند. این نظریه‌ها همه پیش بینی می‌کنند که یادگیری تعاونی می‌تواند پیشرفت همه‌جانبه و رشید شخصیت فراگیران را در پی داشته باشد (Chen & Lin, 2020).

اهداف یادگیری تعاونی عموماً بهبود مهارت‌های بین فردی، محتوای دانش و توانایی تفکر در سطوح بالاتر شناخته می‌شود (Smith & Spindle, 2007). یادگیری تعاونی از پنج عنصر اساسی تشکیل شده است (Johnson & Johnson; Zhang & Chen, 2020, 1989):

- (۱) هم‌وابستگی مثبت^۳: یک گروه تعاونی^۴ هدف مشترکی دارند و کار یادگیری را با هم به پایان می‌رسانند.
- (۲) پاسخگویی فردی^۵: هر یک از اعضای تیم در قبال موفقیت یکدیگر مسئولیت دارند.

1. Cooperative learning
2. positive interdependence
3. cooperative group
4. individual accountability

(۳) تعاملات ترویجی^۶ مبتنی بر تلاش‌های مستمر برای بهبود کار گروهی، اعتمادسازی و ترغیب ارتباطات.

(۴) آموزش مهارت‌های اجتماعی^۷

(۵) پردازش گروهی: فراگیران باید از یکدیگر یاد بگیرند و بتوانند تجارب یادگیری گروهی خود را به اشتراک بگذارند.

آموزشگران باید نقش خود را از سخنرانی به سازمان‌دهی و تسهیل یادگیری، شامل ایجاد گروه‌های یادگیری، هماهنگ کردن تعاملات تعاونگران یادگیری و بازخورد عملکرد تک‌تک اعضا و انتقال آموزه‌ها بین تعاونی‌های یادگیری تغییر دهند. هر چند رویکردهای یادگیری تعاونی متنوع هستند، با این حال، همه رویکردها به میزان مشخصی از همکاری بین فراگیران درون یک گروه یا بین گروه‌ها نیاز دارند (Johnson et al., 1998). برای ایجاد یک گروه یادگیری تعاونی واقعی لازم است که فراگیران وظایف یادگیری را تقسیم کرده و شبکه تعامل بین آنها برقرار شود. اعضای گروه باید به صورت فردی یادگیری و موفقیت یکدیگر را متقابلاً ارتقا دهند و برای ایفای سهم منصفانه خود در تعاونی، یکدیگر را شخصاً و به تنهایی مسئول بدانند و به طور مناسب از مهارت‌های بین فردی و کار گروهی استفاده کنند (Johnson, 1992). سطح همکاری در بین اعضای گروه عامل اصلی تعیین‌کننده موثر بودن یا نبودن یک گروه یادگیری تعاونی است (Noohi et al., 2013).

ایجاد یک فضای یادگیری تعاونی به همان اندازه انتخاب راهبردهای یادگیری تعاونی مهم است. مریان باید فراگیران را تشویق کنند تا به جای تنها کار کردن، با یادگیری یکدیگر درگیر شوند. محیط آموزش و یادگیری در یادگیری تعاونی به گونه‌ای است که موجب درگیری یا مشارکت فعال در امور (full active engagement)، افزایش شناخت همسالان به عنوان منابع یادگیری و ارتقای سطح اعتماد به نفس آنها می‌شود. از آنجایی که ارتباطات فرآیند تبادل اطلاعات و فرآیند تولید و انتقال معانی بین دو یا چند فرد است؛ یادگیری تعاونی قابلیت ارتباطاتی فراگیران که برای کارکرد و رفاه انسان‌ها اساسی است؛ را تقویت می‌کند (Taylor et al., 2008). بر اساس این مباحث و نیز برحسب تجربه، بنه‌های کسب‌وکار دانشجویی مجرای برای شکل‌گیری یادگیری تجربی گروهی (collective experiential learning) هستند.

-بازآفرینی ماهیت و کارکرد بنه‌ها در کسب‌وکارهای دانشجویی در دانشگاه مورد مطالعه: به‌منظور ارتقای قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان از طریق نهادینه‌سازی یک فرآیند هماهنگی، پشتیبانی مقتضی و هدایت آنها در مسیر راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار، در راستای اجرای آیین‌نامه توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۵ به شماره ۲۰۹۷۳۳/و سند دانشگاه کارآفرین در کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۹۵/۰۳/۱۷ هیات امنای دانشگاه‌های منطقه گلستان، شیوه‌نامه حمایت از فعالیت‌های کسب‌وکارآفرینی دانشجویان با تکیه بر ساختار بنه‌گونه و با کارکرد یادگیری تجربی جمعی در زمینه کسب‌وکار تصویب شد. بنابر این شیوه‌نامه، هر تیم کسب‌وکار به عنوان یک بنه: شامل گروهی از دانشجویان دانشگاه است که از طریق تدوین طرح کسب‌وکار و ارائه آن به مرکز کارآفرینی متقاضی راه‌اندازی کسب‌وکار هستند که یک نفر را از بین خود به عنوان سرپرست تیم معرفی می‌کنند. هر تیم کسب‌وکار می‌بایست از بین اعضای هیات علمی در حوزه تخصصی مرتبط با کسب و کار؛ یک نفر را به عنوان مشاور کارآفرینی خود معرفی کند. مشاور کارآفرینی تیم کسب‌وکار، علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه امور علمی و فنی و نیز مدیریتی، رایزنی با واحد مربوطه و نیز سایر واحدهای دانشگاه و خارج دانشگاه جهت تخصیص فضا و منابع و عرضه کالا و خدمات تیم (بازاریابی) را عهده دار است. هر تیم کسب و کار می‌تواند همکاری را از خارج دانشگاه با ذکر نقش مورد نظر در پیشبرد کار در فرم شماره یک پیوست داشته باشند. طول عمر چرخه کسب‌وکار پیشنهادی می‌بایست کمتر از مدت زمان باقی مانده از تحصیل سرگروه تیم کسب و کار باشد.

این بنه‌ها اهداف زیر را دنبال می‌نمایند:

-
5. promotive interactions
 6. social skills training

۲-۱- تمرکز هماهنگ بخش کلیه فعالیت‌های کسب و کار آفرینی دانشجویان تحت مدیریت مرکز کارآفرینی دانشگاه با همکاری سایر واحدهای دانشگاهی.

۲-۲- توسعه و ترویج قابلیت‌ها و خصایص دانشی، نگرشی، مهارتی دانشجویان در بعد کسب و کار آفرینی با رویکرد کارگروهی.

۲-۳- ارائه خدمات مقتضی به دانشجویان متقاضی کسب و کار آفرینی در زمینه آموزش، مشاوره فنی و کسب و کار، تامین مالی و تخصیص فضا و زیرساخت‌های اولیه در حد توان دانشگاه.

۲-۴- مستندسازی تجارب کسب و کار آفرینی دانشجویان به منظور تبادل تجربیات، انتخاب و الگوسازی نمونه‌های موفق توام با تشویق مناسب.

فرآیند شکل‌گیری بنه‌های کسب و کار دانشجویی به شرح زیر است:

۱- دانشجویان متقاضی فعالیت کسب و کار آفرینانه نسبت به تدوین طرح کسب و کار مورد نظر در قالب فرمی مدون، با درج اطلاعات مورد درخواست، اخذ امضای همه اعضای تیم و مشاور و ارائه آن به مرکز کارآفرینی اقدام می‌کند.

سرپرست تیم کسب و کار در کسوت یک سربینه فرمی مبتنی بر پذیرش و پایبندی به تعهدات مورد نظر را به نمایندگی از کل اعضای تیم از جمله مشاور و با آگاهی آنها امضاء و همراه با فرم شماره یک ارائه می‌دهد.

۲- تیم کسب و کار می‌بایست طرح خود را از یکی از مسیرهای (الف) گروه آموزشی/ دانشکده، (ب) انجمن علمی/ تشکل دانشجویی، (ج) مدیریت‌های مرتبط در دانشگاه تدوین و اجرا نماید.

۳- مرکز کارآفرینی پس از ارزیابی اولیه طرح و تکمیل فرم گردش کار، نسبت به گزارش آن در کمیته کارآفرینی دانشگاه اقدام می‌کند. در ارزیابی، مستندات صلاحیتی، نظیر تجربه کاری و یا شرکت در کارگاه‌های آموزشی مرتبط ملاک اولویت قرار می‌گیرد.

۴- مرکز کارآفرینی دانشگاه نسبت به ارزیابی طرح و تصمیم‌گیری درباره یکی از سه حالت: (الف) رد، (ب) برگشت به تیم کسب و کار برای اصلاحات تعیین شده و یا (ج) تصویب و در نتیجه تعیین نوع و سطح پشتیبانی ممکن در اولین فرصت ممکن اقدام می‌کند. در صورت تشخیص، مرکز کارآفرینی می‌تواند نسبت به ارسال طرح کسب و کار به یک صاحب نظر اعم از هیات علمی، دانشجو و کارشناس داخل یا خارج دانشگاه برای اعلام نظر به یکی از سه حالت فوق توام با ارائه پیشنهاد برای بهبود اقدام نماید. در صورت بازگشت برای اصلاح، تیم کسب و کار موظف است نسبت به انجام اصلاحات لازم در طرح کسب و کار ظرف مدت دو هفته و ارائه آن به مرکز کارآفرینی اقدام نماید. پذیرش و حمایت از طرح‌های کسب و کار ارائه شده توسط تیم‌های موفق که پیشتر طرح خود کسب و کار خود را تحت نظر مرکز کارآفرینی به انجام رسانده‌اند، و یا به طور فعال در کارگاه‌های آموزشی مهارتی و رویدادهای کارآفرینی شرکت نموده‌اند، در اولویت است.

۵- در صورت تصویب طرح کسب و کار، موضوع از طرف مرکز کارآفرینی به تیم کسب و کار اعلام می‌شود.

۶- تیم کسب و کار مطابق طرح کسب و کار ارائه شده و ارائه ضمانت لازم (سفته بر حسب ارزش اعلام شده از سوی مرکز کارآفرینی) برای طرح‌های با ظرفیت تجاری و درآمدزایی منجر به انعقاد قرارداد) همراه با مدارک شخصی مرتبط نظیر تصویر شناسنامه، کارت ملی، کارت دانشجویی و آدرس معتبر) نسبت به راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار خود حداکثر تا یک ماه پس از اعلام مرکز کارآفرینی اقدام می‌کنند. در مورد طرح‌های دارای ظرفیت تجاری و درآمدزایی، سفته ارائه شده به عنوان ضمانت انجام تعهدات، پس از اختتام طرح؛ به دانشجو عودت داده خواهد شد. بی‌تردید، عدم انجام تعهدات می‌تواند زمینه‌ساز به اجرا گذاشتن سفته شود.

۷- تیم کسب و کار می‌بایست ضمن در جریان قراردادن مرکز کارآفرینی از عرضه و فروش محصولات، پس از گذشت هر ثلث از چرخه عمر کسب و کار خود نسبت به ارائه گزارش پیشرفت/ وضعیت به مرکز کارآفرینی در قالب فرمی اقدام نمایند. در صورت عدم برداشت محصول یا فروش یا انتقال به موقع محصول که موجب ضایع شدن آن و یا اشغال فضای تخصیص یافته

شود؛ مرکز کارآفرینی می تواند نسبت به جابجایی و عرضه محصول اقدام و در صورت فروش، درآمد حاصله را به حسابی واریز و رسید بانکی آن را بایگانی کند.

۸- تیم کسب و کار موظف است در پایان کار ۱۰ تا ۳۰ درصد از سود حاصل از فروش (بر مبنای خوداظهاری) را با تایید مرکز کارآفرینی به حساب فوق واریز و رسید بانکی آن را در اختیار مرکز کارآفرینی دانشگاه قرار دهد.

۹- تیم کسب و کار پس از اتمام چرخه عمر کسب و کار خود نسبت به ارائه گزارش پایان کار در قالب فرمی همراه با مستندات مقتضی (به صورت کاغذی، عکس و فیلم) اقدام می کنند.

دانشگاه خدمات پشتیبانی و اقدامات حمایتی محتمل زیر را از بنه های کسب و کار دانشجویی در دستور کار قرار دارد:

- ۱- تسهیل فرآیند اجرایی و نظارت بر فعالیت تیم کسب و کار مطابق فرم های تکمیل شده.
- ۲- تامین محل اجرای فعالیت کارآفرینانه در صورت امکان با رایزنی و هماهنگی با واحدهای مربوطه.
- ۳- تامین منابع مالی بر حسب سقف اعتبار حمایت از فعالیت های کسب و کار دانشجویی مصوب هر سال مالی در کمیته کارآفرینی. مرکز کارآفرینی با هماهنگی کمیته کارآفرینی می تواند به جذب کمک با هدف تامین مالی فعالیت های کسب و کارآفرینی در دانشگاه به شکل نوعی صندوق کسب و کارآفرینی اقدام نماید. در صورت تشخیص و امکان می توان به جذب کمک از محل منابع دیگر (صندوق ها) و خیرین کسب و کارآفرین به صورت بلاعوض بهره گرفت.
- ۴- گزارش گیری و مستندسازی و انتشار تجارب موفق کسب و کارآفرینی دانشجویان.
- ۵- ارزیابی به منظور انتخاب، معرفی و تشویق دانشجویان موفق در زمینه کسب و کارآفرینی موضوع شیوه نامه.
- ۶- تسهیل استفاده دانشجویان کسب و کارآفرین از خدمات آزمایشگاهی در چارچوب ضوابط و مقررات مرسوم.
- ۷- معرفی و تقدیر مناسب از خیرین کسب و کارآفرین پشتیبانی کننده.
- ۸- معرفی طرح های نوآور فناورانه ارائه شده به مرکز رشد واحدهای فناور دانشگاه.
- ۹- تسهیل حضور دانشجویان کسب و کارآفرین در نمایشگاه ها، جشنواره ها و بازارچه ها.
- ۱۰- تسهیل ارائه خدمات آموزشی و مشاوره ای از طریق کارگاه ها و رویدادهای آموزشی و نیز مشاوران کارآفرینی.
- ۱۱- تسهیل ثبت ایده های کارآفرینانه و تجاری سازی آن با همکاری مدیریت فناوری و مرکز رشد دانشگاه.
- ۱۲- صدور گواهی تایید فعالیت کسب و کار برای اعضای تیم و مشاور در صورت درخواست و معرفی متقاضیان به مراجع مورد نظر پس از ارائه گزارش پایان کار.
- ۱۳- بازدید از فعالیت های کسب و کار دانشجویان و دانش آموختگان و ارائه لوح تقدیر همراه با انعکاس مناسب فعالیت ها در بین جامعه دانشگاهی.
- ۱۴- تسهیل امور مربوط به کسب و کار دانشجویی (نظیر هماهنگی برای تردد با واحد حراست دانشگاه) در صورت دریافت درخواست کتبی از دانشجویان دارنده طرح کسب و کار در روزهای اداری.

ج) سازوکار پذیرش بر اساس پیشینه کاری با امکان ادامه کسب و کار مرتبط با رشته های آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی

در حال حاضر، پذیرش دانشجو در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به دو شیوه کلی: (الف) با آزمون و (ب) بدون آزمون و بر اساس سوابق تحصیلی صورت می گیرد. با توجه به مقتضیات هر یک از این دو سازوکار که مزیت ها و محدودیت های ویژه ای را به همراه داشته اند و مسایل ناشی از پذیرش دانشجو؛ این دانشگاه بنا بر پیشینه ۶۰ ساله و کارکرد تخصصی در حوزه آموزش

عالی کشاورزی و منابع طبیعی کشور و بر اساس همفکری جمعی حاصل تعامل با واقعیات بازار کار و الزامات مدیریت این بازار به صورت مولد و کارآفرین و نیز طبق برآیند بازخوردهای مستمر دریافتی از بهره‌برداران، کارفرمایان و مدیران تشکیلات اداری ذیربط و بنگاه‌های اقتصادی و مهم‌تر از همه، با رصد شغلی دانش‌آموختگان از یک سو و زمینه‌یابی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی پذیرش متقاضیان از سوی دیگر، سازوکار بدیلی را برای پذیرش دانشجو به شرح زیر پیشنهاد می‌کند:

گروه‌های هدف مد نظر این سازوکار عبارتند از:

الف) پذیرش

- پذیرش افراد دارای پیشینه شغلی یا کسب و کار جاری مرتبط با کشاورزی و منابع طبیعی معرفی شده از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط، نهادهای صنفی و یا بر حسب ارایه مستندات قابل تایید
- پذیرش بر اساس مهارت (مهارت‌آموزان مراکز فنی و حرفه‌ای)

ب) اعطای سهمیه

- اعطای سهمیه معین به روستازادگان با پیشینه خانوادگی کشاورزی و غیرکشاورزی (این سازوکار در کتاب اول که به نوعی دستور کار تحول اساسی در آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی در جریان انقلاب فرهنگی بود نیز مورد تاکید قرار گرفت)
 - اعطای سهمیه دانش‌آموختگان هنرستان‌های کشاورزی و فنی
 - اعطای سهمیه کشاورزان و فعالان بخش کشاورزی معرفی شده از سوی نظام صنفی کشاورزی
- فرآیند کلیدی** این سازوکار، تحصیل حین اشتغال و کارآفرینی (Education by Entrepreneurship/ Employment (EoE) همراستا با رویکرد هیئت‌انگیزی یادگیری تجربی یا یادگیری توأم با کار (Learning by Doing) است.

دست‌آورد کلیدی این سازوکار زمینه‌سازی برای تحقق سازوکار پذیرش مبتنی بر پیشینه کسب‌وکار و ظرفیت نوآوری در آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی توأم با الگوسازی راهبری مشترک نوآوری در راستای توانمندسازی اجتماعی است. سایر مزایا و پیامدهای نافع مورد انتظار از این سازوکار را می‌توان به شرح زیر فهرست نمود:

- هدفمند شدن تحصیل دانشگاهی برای متقاضیان و در پیشگیری از کاهش افت یا ترک تحصیل

- افزایش احتمال اشتغال پذیری دانش‌آموختگان

- تکمیل ظرفیت تحصیل موسسات آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی با جذب متقاضیان علاقه‌مند

- افزایش نرخ کارآفرینی در دانشگاه‌ها

- پیوند دادن بخش‌های تولید و نهادهای حمایتی و اجتماعی با فرآیندهای تحصیل

- ترغیب دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشاورزی به ارتقای ظرفیت‌های یادگیری تجربی و عملی و کارآفرینانه.

در شروع کار، این سازوکار به صورت موردی در دانشگاه مورد مطالعه در قالب حمایت مشترک از طرح کسب‌وکار با رویکرد راهبری نوآوری در چارچوب قراردادی مشترک بین کمیته امداد امام خمینی (ره) و دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و با واگذاری یک باب گلخانه عملیاتی شده است.

نتیجه‌گیری

تعالی دانشگاه و نظام آموزش عالی در کشور نیاز مند آن است تحولات آموزش عالی و نهاد دانشگاه در ایران در ارتباط با جریان رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی کشور تشریح و دوره‌نگاری شود و نقاط عطف و پیامدهای تحول همراه با ریشه‌های آن به مثابه درس‌های آموخته (Lessons learned or lessons learnt) بازاندیشی شود. یافته‌ها و مباحث ارایه شده در این مقاله بیشتر مصداق "اقدام پژوهشی مشارکتی دانشگاهی" مبتنی بر حلقه‌های زنجیروار و تکرارشونده "تشخیص، برنامه‌ریزی، اقدام و بازاندیشی" است. از ویژگی‌های بارز محتوایی این رویدادها، متناسب‌سازی متن‌ها با وضعیت

و شرایط واقعی دانشگاه، بخش کشاورزی و منابع طبیعی و آموزش عالی کشور و نه به صورت ترجمه صرف از پیش‌نگاشته‌های خارجی بوده است. به‌واقع، هرچند تاکنون "به‌اصطلاح" الگوهای برای دانشگاه کارآفرین در کشور ارائه شده، ولی عمده‌تاً به دلیل ماهیت ترجمه‌ای و غیرتأویلی، ماحصل کار فاقد مناسبت و کاربرد سیاستی و مدیریتی لازم در شرایط کنونی آموزش عالی کشور به‌ویژه در بخش کشاورزی و منابع طبیعی بوده است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

در این مقاله، تجربه بومی و درون‌زاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان برای تعالی در مسیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر مبنای ارزش‌های مد نظر در این الگو معرفی شد. از این جمله می‌توان به همگرایی تحصیل و اشتغال دانشجویان در بستر همکاری دو نهاد اجتماعی (خانواده و دانشگاه) در قالب سازوکار کسب‌وکارهای دانشجویی خانواده‌پشتیبان اشاره نمود. تجربه دیگر مربوط به بنه‌های کسب‌وکار آفرینی نوین دانشگاهی بود. سرانجام، سازوکار پذیرش بر ارزش‌های بومی و تجربه سنتی تعاون‌گری در فرآیند کسب‌وکار آفرینی نوین دانشگاهی بود. سرانجام، سازوکار پذیرش بر اساس پیشینه کاری با امکان ادامه کسب و کار مرتبط با رشته‌های آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی توأم با اعطای سهمیه برای برخی گروه‌ها مطرح شد. این سازوکارها نهادهای مهم اجتماعی همانند خانواده را به دانشگاهی پیوند می‌زنند و از اینرو موجب نوعی پیوستگی اجتماعی می‌شوند. علاوه بر این، از مجرای تمرین تعاونی در عرصه کسب‌وکار و کارآفرینی، فرصتی برای تبادل آموزه‌ها، ارتقای اشتغال‌پذیری و تشریک مساعی برای تحقق خیر مشترک را موجب می‌شود. به لحاظ نظری، مطالعات متعدد صورت گرفته (نظیر Edelman et al., 2016) بیانگر اثرگذاری هم‌افزایانه حمایت خانوادگی و کارآفرینی دانشجویان در قالب کسب‌وکارهای نوپا هستند.

هر چند تصمیم‌گیری درباره سودمندی این ابتکارات نیازمند گذر زمان و بازاندیشی و ارزشیابی فرآیند و پیامد است، اما فلسفه شکل‌گیری این ابتکارات بر مبنای طراحی و پیاده‌سازی سازوکارهای بومی مبتنی بر درک پیشینه تاریخی و اجتماعی و نیز ظرفیت‌های وضعی دانشگاه در خور توجه است. بنابراین به منظور ارتقای نقش آفرینی دانشگاه‌ها در مسیر تعالی بر پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشنهاد می‌شود به جای یا در کنار طرح مفاهیم و رویدادهای عمدتاً وارداتی، به بازشناخت، ارتقای مقیاس ابتکارات بومی توجه شود. این مهم نیازمند بازنگری در الگوی حکمرانی دانشگاهی در کشور و عدول از رویه دستوری باز بالا به پایین در این حوزه (در قالب ابلاغ شیوه‌نامه، دستورالعمل، آیین‌نامه از حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌ها) و در عوض، تشویق دانشگاه‌ها به طرح‌ریزی سازوکارهای مقتضی متناسب با حوزه فعالیت و نیز ظرفیت‌های پیشرفت محلی و منطقه‌ای خویش و تسهیم آموزه‌ها با سایر دانشگاه‌ها است. برای این منظور، تدابیر زیر می‌تواند به تعالی و ارتقای جایگاه دانشگاه‌ها در زیست‌بوم ارزش محلی و منطقه‌ای و در نتیجه، پیشرفت دانش‌بنیان منجر شود:

-محوریت‌بخشی به دانشگاه به عنوان رکن اساسی و هدایتگر اصلی نظام پژوهش و نوآوری از طریق تعریف اولویت‌های پژوهشی در سطوح استانی، منطقه‌ای و ملی و هدایت و تخصیص بودجه‌های پژوهشی و نظارت برای انجام طرح‌های تحقیقاتی نافع کاربردی در تعامل با سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی و پرهیز از پراکنش غیرمنسجم بودجه تحقیقات و نوآوری بویژه در سطوح استانی زیر نظر دانشگاه‌ها در تعامل با سایر دست‌اندرکاران؛ یکی از ملزومات این رویکرد، واگذاری راهبری طرح‌های تحقیقاتی راهبردی به دانشگاه‌ها است.

-مشارکت‌دهی دانشگاه در تمام مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، طراحی، اجرا، پایش، ارزشیابی و پیامدسنجی طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای استان‌ها؛

-اعطای امکان و اختیار مقتضی به دانشگاه‌ها برای مشارکت‌دهی موثر دانشگاه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و هدایت روند مدیریتی و پیش‌امور توسعه‌ای در سطوح منطقه‌ای و ملی؛

-واگذاری اختیارات منطقی به دانشگاه‌ها برای جذب و نگهداری نیروی انسانی شایسته در کسوت نیروی کارشناسی یا عضو هیات علمی؛

-واگذاری اختیارات لازم و کافی به دانشگاه‌ها برای توسعه و تحول برنامه‌های درسی با محوریت تعریف برنامه‌های درسی بازارمحور و کارآفرین؛

-واگذاری اختیارات لازم به دانشگاه‌ها برای بازمهندسی و تجمیع گسترش کمی آموزش عالی با رویکرد کیفیت‌گرایی بویژه در بخش آزاد و غیرانتفاعی و علمی و کاربردی ...

-محوریت‌بخشی به دانشگاه‌ها برای تحقق زیست‌بوم کارآفرینی دانشگاه‌پایه در سطح منطقه با واگذاری اختیار و مسئولیت راهبری امور کسب‌وکار، اشتغال و کارآفرینی در استان؛

-اعطای اختیار لازم به دانشگاه‌ها برای ساختارسازی- تعریف فرآیندها برای تقویت کارکرد ترویجی و اجتماعی دانشگاه با رویکرد اجتماع‌محوری و پیشبرد کارآفرینی اجتماعی؛

-اعطای اختیار لازم به دانشگاه‌ها برای تعریف و تلفیق نشانگرهای فعالیت ترویجی - اجتماعی و کارآفرینی در برنامه جذب، ترفیع و ارتقای اعضای هیات علمی؛

-واگذاری امور مدیریت پارک علم و فناوری استان‌ها به دانشگاه‌ها برای انسجام‌بخشی و یکپارچگی نهادی در حوزه توسعه فناوری دانش‌بنیان؛

- توسعه ساختار تشکیلاتی دانشگاه‌ها به تناسب ماموریت‌ها؛ نظیر راه‌اندازی کلینیک تخصصی برای ارائه خدمات ترویجی به جامعه در دانشگاه^۸.

منابع

آسایش، حسین. اقتصاد روستایی. ۱۳۸۴، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم.

برادران حقیر، م.، نورشاهی، ن.، روشن، ا. ر. (۱۳۹۸). مفهوم‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۵ (۳): ۱-۲۶.

پطروشفسکی، ایلینا پاولویچ. کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. ترجمه کریم کشاورز. تهران، ۱۳۵۵. انتشارات نیل

خسروی. خسرو. جامعه دهقانی در ایران، ۱۳۵۷، تهران: انتشارات پیام.

^۸ در این باره، تجربه دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در راه‌اندازی کلینیک مادر تخصصی و تصدی مدیریت خانه طبیعت با همکاری شهرداری گرگان شایسته توجه است. در این شرایط نیاز است وزارت عتف به جای طراحی یک چارچوب یونیفرم‌گونه به شیوه از بالا به پایین (top-down) به صورت متمرکز، به چنین ابتکاراتی که توسط دانشگاه‌ها به صورت خودجوش به انجام می‌رسد، به عنوان یک تجربه مثبت و درس‌آموخته بپردازد و پس از بازاندیشی، برای ارتقای مقیاس پیاده‌سازی آن با رویکرد بومی‌سازی در قالب الگوی حکمرانی دانشگاهی در کشور اقدام کند.

رجیبیان غریب فاطمه، محمدزاده سعید، شریف زاده محمدشریف (۱۳۹۹). تدوین الگوی پیوند دانشگاه و جامعه مبتنی بر رویکرد مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی؛ ۲۶ (۴) ۸۵-۱۱۱:

ساعدلو، هوشنگ. اقتصاد کشاورزی. تهران، ۱۳۴۷. انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (جزوه)، ص ۸۴-۸۶.

ساعدلو، هوشنگ. مسایل کشاورزی ایران. ۱۳۵۷. تهران: انتشارات رواق.

شریف زاده، م. ش.، عبدالله زاده، غ. (تدوین کنندگان). ۱۳۹۵. برنامه راهبردی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (۱۳۹۶-۱۴۰۰): پیش به سوی دانشگاه کارآفرین. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

شریف زاده، م. ش.، عبدالله زاده، غ. ۱۳۹۴. رهیافت سیستمی در مطالعات کسب و کار: کاربرد روش شناسی نظام های نرم. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲ (۱): ۳۷-۷۵.

شریف زاده، م. ش.، عبدالله زاده، غ.، نجفی نژاد، ع. (۱۳۹۷). موردکاوی تجربه گذار به دانشگاه کارآفرین: دانشگاه بسان یک زیست بوم کارآفرینی خرد. کارآفرینی در کشاورزی، ۵ (۲): ۳۳-۶۹.

طالب، مهدی و عنبری، موسی. جامعه شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. ۱۳۸۴. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

عبدالله زاده، غ. شریف زاده، م. ش. (۱۳۹۹). زیست بوم کارآفرینی دانشگاه محور در کشاورزی: چارچوبی برای مهندسی نهادی پژوهش، فناوری و آموزش عالی نوآفرین. گرگان: انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

عبدالهی، محمد. نظام های بهره برداری، مطالعه تطبیقی نظام های بهره برداری کشاورزی و ارزشیابی عملکرد آنها به منظور شناخت انواع و ویژگی های نظام های بهره برداری بهینه و مناسب در ایران. ۱۳۷۷، تهران: وزارت کشاورزی، معاونت امور نظام بهره برداری، دفتر طراحی نظام بهره برداری.

فرهادی، مرتضی. بنه شناسی: پیشینه پژوهشی و نقد آراء در چگونگی پیدایش بنه. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۶۸، ش ۱۵، صص ۷۲-۱۰۱.

فرهادی، مرتضی. گونه شناسی یاریگریها و تعاونی های سنتی در ایران. پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی، ویژه نامه ی پژوهش های اجتماعی، نیمه دوم ۱۳۸۷، صص ۱۳-۶۰.

ماهر، ز.، ربانی، ع. ۱۳۹۶. اقدام پژوهی مشارکتی: زمینه ساز کنش ارتباطی در حوزه های عمومی. پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۶ (۱۰): ۲۹-۶۰.

Linn, W. D., Lord, K. C., Whong, C. Y., & Phillips, E. G. (2013). Developing effective study groups in the quest for the "holy grail": Critical thinking. *American Journal of Pharmaceutical Education*, 77(8).

Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Stanne, M. B. (2000). Cooperative learning methods: A meta-analysis. Minneapolis: University of Minnesota.

- Azizan, M. T., Mellon, N., Ramli, R. M., & Yusup, S. (2018). Improving teamwork skills and enhancing deep learning via development of board game using cooperative learning method in Reaction Engineering course. *Education for Chemical Engineers*, 22:1-13.
- Baghcheghi, N., Koohestani, H. R., & Rezaei, K. (2011). A comparison of the cooperative learning and traditional learning methods in theory classes on nursing students' communication skill with patients at clinical settings. *Nurse Education Today*, 31(8), 877-882.
- Bruffee, K. A. (1984). Collaborative learning and the "conversation of mankind". *College English*, 46(7), 635-652.
- Chen, J., & Lin, T. F. (2020). Do Cooperative-Based Learning Groups Help Students Learn Microeconomics?. *SAGE Open*, 10(3), 2158244020938699.
- Davies, A., Fidler, D., & Gorbis, M. (2011). Future work skills 2020. Institute for the Future for University of Phoenix Research Institute, 540.
- Edelman, Linda F. Tatiana Manolova, Galina Shirokova, Tatyana Tsukanova (2016). The impact of family support on young entrepreneurs' start-up activities, *Journal of Business Venturing*, Volume 31, Issue 4, Pages 428-448.
- Facione, P. (1990). Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction (The Delphi Report). American Philosophical Association, Newark, DE.
- Foldnes, N. (2016). The flipped classroom and cooperative learning: Evidence from a randomised experiment. *Active Learning in Higher Education*, 17(1): 39-49.
- Hill, R., Woodward, M., & Arthur, A. (2020). Collaborative Learning in Practice (CLIP): Evaluation of a new approach to clinical learning. *Nurse Education Today*, 85, 104295.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2003). Training for cooperative group work. *International handbook of organizational teamwork and cooperative working*, 167-183.
- Johnson, D. W., Johnson, R. T., Holubec, E. J., & Holubec, E. J. (1994). The new circles of learning: Cooperation in the classroom and school. ASCD.
- Judy Shih, H. C. (2020). The use of individual and collaborative learning logs and their impact on the development of learner autonomy in the EFL classroom in Taiwan. *Innovation in Language Learning and Teaching*, 1-15.
- Lin, Z. C. (2013). Comparison of technology-based cooperative learning with technology-based individual learning in enhancing fundamental nursing proficiency. *Nurse Education Today*, 33(5), 546-551.
- Seow, P. S., Pan, G., & Koh, G. (2019). Examining an experiential learning approach to prepare students for the volatile, uncertain, complex and ambiguous (VUCA) work environment. *The International Journal of Management Education*, 17(1), 62-76.
- Tadesse, T., Gillies, R. M., & Manathunga, C. (2020). Shifting the instructional paradigm in higher education classrooms in Ethiopia: What happens when we use cooperative learning pedagogies more seriously? *International Journal of Educational Research*, 99, 101509.
- Warfa, A. R. M. (2016). Using cooperative learning to teach chemistry: A meta-analytic review. *Journal of Chemical Education*, 93(2), 248-255.

- Yusuf, Q., Jusoh, Z., & Yusuf, Y. Q. (2019). Cooperative Learning Strategies to Enhance Writing Skills among Second Language Learners. *International Journal of Instruction*, 12(1), 1399-1412.
- Zhang, J., & Chen, B. (2020). The effect of cooperative learning on critical thinking of nursing students in clinical practicum: A quasi-experimental study. *Journal of Professional Nursing*.